

پیام سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثریت) به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!
اکنون سال تحصیلی جدید فرارسیده است و شما که قلبتان آکنده از آرزوی تحصیل و دانش‌اندوزی و انقادی نقش‌سازنده در زندگی اجتماعی و سیاسی میهن است، راهی مدارس و دانشگاه‌ها می‌شوید. آینده میهنان به عزم و کار سازنده شما وابسته است و شما با همه شورتوان به سوی آینده‌ای که با آرمان‌ها و آرزوهای بی‌کتمان آراسته می‌شود، پیش می‌روید. سازمان جوانان فدایی خلق ایران

دانش آموزان و دانشجویان مبارز!
اکنون سال تحصیلی جدید فرارسیده است و شما که قلبتان آکنده از آرزوی تحصیل و دانش‌اندوزی و انقادی نقش‌سازنده در زندگی اجتماعی و سیاسی میهن است، راهی مدارس و دانشگاه‌ها می‌شوید. آینده میهنان به عزم و کار سازنده شما وابسته است و شما با همه شورتوان به سوی آینده‌ای که با آرمان‌ها و آرزوهای بی‌کتمان آراسته می‌شود، پیش می‌روید. سازمان جوانان فدایی خلق ایران

اکثریت

نوبه‌هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۶۳ برابر با ۱۱ اکتبر ۱۹۸۴
بها ۴۰۰ ریال - سال اول - شماره ۲۶

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت چهل و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

"هفته جنگ" رژیم: زمینه‌سازی برای یک یورش دیگر

همزمان با چهارمین سالگرد آغاز جنگ ایران و عراق، رژیم جمهوری اسلامی "هفته جنگ" خود را با تبلیغات و هیاهوی وسیع، بمنظور توجیه ادامه جنگ، برگزار کرد. روزهای این هفته هر یک به عرصه‌ای از زمینه‌های مختلف مربوط به جنگ، از قبیل جنگی کردن اقتصاد، بسیج نیروی انسانی و غیره، اختصاص داشت. ابعاد و دامنه برگزاری این هفته، نشانگر آن بود که سران حکومت صمیمت علیرغم تشدید بیسابقه نارضایتی گسترده‌ترین توده‌های مردم از عوارض و عواقب جنگ خانمان سوز، و با وجود کوششهای زیادی که در عرصه بین‌المللی از سوی کشورها و سازمانهای مختلف برای پایان دادن به

رفقای عزیز!
چهل و سومین سال تأسیس حزب توده ایران، حزب طراز نهم طبقه کارگر ایران را از صمیم قلب به شما تبریک می‌گوییم.
سالگرد تأسیس حزب پرافتخار شما، زینت فرا می‌رسد که علیرغم کین‌خواهی و ددمنشی امپریالیسم و ارتجاع، حزب توده‌ی شما دوباره استحکام خود را باز یافته و درفش خونگ آن در اهتزاز است. در حالیکه ارتجاع و عوام‌نیل امپریالیسم با ردیلانه‌ترین شیوه‌ها از زندان و شکنجه و اعدام، تا دروغ و نیرنگ بر حزب توده ایران می‌تازند و خیال خام ثابیدی آنرا در سر می‌پروراند. حزب، استوار به پیش می‌رود و دشمنان مردم را سرافکنده و تاسا می‌سازد.

رفقای عزیز!
چهل و سومین سال تأسیس حزب توده ایران، حزب طراز نهم طبقه کارگر ایران را از صمیم قلب به شما تبریک می‌گوییم.
سالگرد تأسیس حزب پرافتخار شما، زینت فرا می‌رسد که علیرغم کین‌خواهی و ددمنشی امپریالیسم و ارتجاع، حزب توده‌ی شما دوباره استحکام خود را باز یافته و درفش خونگ آن در اهتزاز است. در حالیکه ارتجاع و عوام‌نیل امپریالیسم با ردیلانه‌ترین شیوه‌ها از زندان و شکنجه و اعدام، تا دروغ و نیرنگ بر حزب توده ایران می‌تازند و خیال خام ثابیدی آنرا در سر می‌پروراند. حزب، استوار به پیش می‌رود و دشمنان مردم را سرافکنده و تاسا می‌سازد.

به مناسبت شصت و سومین سالگرد شهادت حیدر خان عمو اوغلو حیدر خان، خاکریز مقدم انقلاب گیلان بود



سخن‌گوشه، حیدر با رفیقان شیرازان شد...
چو در خون جسم پاک او بسراه توده غلظان شد،
غم جاننش نبود، در غصه مسزور و دهقان شد،
به غیر از رنگ خون از چشم او هر رنگ پنهان شد.
زمین خون، آسمان خون، دشت و کوه و شهر و جنگل خون
به خود می‌گفت: حق رنجبر اثبات خواهد شد،
.....
به غد اغنیاء داخل به تشکیلات خواهد شد،
.....
قوای کارگر حاکم به موجودات خواهد شد.
(ابولقاسم لاهوتی)
بقیه در صفحه ۵

پیام تبریک

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به رفیق منگستو هایله ماریام
دبیر کل کمیته مرکزی حزب کارگر اتیوپی

در صفحه ۳ ☆☆☆

پاسخ دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا به پیام تبریک دبیر اول سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت هشتادمین سالگرد تولد
نیکلای آستروفسکی

به پیش!
به پیش ناخستین صف!

در صفحه ۵

نهادهای و ادارات جمهوری اسلامی،
غرق در فساد و رشوه خواری
در صفحه ۷

کارنامه جمهوری اسلامی
در مراکز آموزشی، سیاه و تنگین است
در صفحه ۹

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می‌خواهند!

بکا!

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت چهل و سومین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

بقیه از صفحه اول

شکنجه و توطئه‌های رذیلانه دوناگون، هیچگاه حزب توده ایران را از پیگیری آرمان مقدسش یعنی تأمین سعادت و بهروری زحمتکشان و ترقی و پیشرفت ایران باز داشته است و این خود خشم و کینه دشمنان مردم را برانگیخته و حزب توده ایران را به آماج مقدم توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع برای سرکوب مبارزات مردم میهن مسا مبدل ساخته است.

اصولیت حزب توده ایران، پایبندی خدشه ناپذیر آن به مارکسیسم - لنینیسم و خصلت عمیقاً انتروناسیونالیستی آن، سرمایه داران و چپا و لگران را خشمگین میکند، آنان که می‌بینند حزب توده ایران مبارز پیشیر در راه طبقه کارگر و تأمین همبستگی کارگران میهن با کارگران سراسر جهان است، آنان که میدانند اعتقاد عمیق و پایبندی حزب توده ایران بسوسه انتروناسیونالیسم پرولتری از ویژگیهای ارزشمند آنست، این خصلت ارزنده حزب را آماج حملات خود قرار میدهند.

حکام جمهوری اسلامی که به انقلاب مردم و آماجهای آن، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خیانت کرده اند، از شعله‌ور شدن خشم توده‌ها در هراسند. اقدامات آنان برای تأمین و تضمین منافع کلان تاجران و سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و سیاستهای استقلال بر باد ده ارتجاع حاکم، روز بروز ماهیت آنها را برای نیروهای پیشتسری از مردم آشکار می‌سازد، اعتراضات کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار و گروههای مردم روز افزون است، بریم که آینده خود را تیره و تار می‌بیند با خشونت ددمنشانه به سرکوب نیروهای انقلابی و میهن پرست و مدافع مردم میپردازد. انقلابیون و مبارزین گروه گروه مخفیانه اعدام میشوند، آنها زیر شدیدترین فشارها و شکنجه‌ها قرار می‌گیرند و رذیلانه‌ترین نقشه‌ها برای بد نام ساختن آنان سازمان می‌یابد. اما واقعیت‌د و ساله اخیر نشان داد نه رژیم غیرمهمی تلاشهای مذبحخانه خود، قادر نشده صفوف ما را درهم شکنند. حزب توده ایران با وجود همه فشارها و توطئه‌ها، وظایف انقلابی خود را همچنان به پیش می‌برد و دسائس امپریالیسم و ارتجاع را يك به يك خنثی می‌سازد.

تشکیل پلنیم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران، در زمانی که ارتجاع حاکم رذیلانه‌ترین روشها را برای نابودی و محو حزب توده ایران بکار برده است، نقشه‌های آن را نقش بر آب ساخت و همه دستداران حزب را شادمان کرد. پلنیم نشان داد که حزب توده ایران که از چشمه جوشان مردم سیراب میشود،

نابود شدنی نیست. پلنیم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران که مقام مهمی را در تاریخ ۴۳ ساله حزب به خود اختصاص داده است، موفق شد، ارادتهای رهبری حزب را در یکی از حساسترین مقاطع حیات آن بازسازی کند و صفوف نیروهای حزب را حول رهبری آن تحکیم بخشد. انتشار "نامه مردم" ارادان مرکزی حزب توده ایران نیز، نام دیگری در راه خنثی کردن توطئه‌های ارتجاع حاکم بود. تمام تلاش ارتجاع این بود که صدای حزب توده ایران، به کارگران و زحمتکشان میهن مسا نرسد. انتشار مجدد "مردم" این نقشه را خنثی ساخت. "مردم" دوباره وظیفه انقلابی در افشای دشمنان مردم و آگاهسازی سازماندهی توده‌ها را از سر گرفت.

"مردم" همچون راهگشایی آشنا، صلاحیت و با تجربه در شرایط حساس کنونی برای کارگران و زحمتکشان میهنان راهنمائی ارزشمند است.

اینها نمونه موفقیت‌های حزب توده ایران، حزب لراز نهن طبقه کارگر ایران در مبارزه علیه ارتجاع حاکم و توطئه‌های امپریالیسم در چهل و سومین سال حیات افتخار آفرین است.

★ تا مبارزه توده‌ها علیه خنثی‌سازی محرومیت جریان دارد، حزب توده ایران نیز وجود خواهد داشت. تا کارگران و زحمتکشان میهن ما علیه امپریالیسم، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکسان در مبارزه و ستیزند، حزب توده‌ها نیز زنده است. حزب توده ایران به طبقه کارگر و توده‌های ملیونی تعلق دارد. پرچم حزب درفش پیکر آنهاست و درخت تنوع حزب از دریای خروشان رزم توده‌ها سیراب میشود.

در شرایط حساس کنونی، اتحاد نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیست در جبهه ملی متحد خلق برای رهایی مردم ایران از قید و بند ارتجاع حاکم، فوریت بازم بیشتر یافته است. ارتجاع کوشش می‌کند صفوف نیروهای انقلابی، دموکراتیک و ضد امپریالیست را دچار تفرقه سازد و بی اعتمادی را در میان آنها دامن زند، برای این اساس مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در راه وحدت طبقه کارگر ایران بعنوان سنگ بنا و شرط اساسی اتحاد همه اقشار خلق، از اهمیتی جدی برخوردار است.

سازمان ما بار دیگر اعلام میدارد که با تمام توان خویش در راه گسترش همکاریهای برادرانه با حزب توده ایران و حفظ و تحکیم

وحدت فکری و سیاسی میان د و سازمان و ستیزش آن به سطح وحدتی همه جانبه نام بر میدارد. هیچ نیروی قادر نیست در آزاده مسا برای تحقق این خواست دیرین طبقه کارگر خلل ایجاد کند.

رفقای عزیز!

امپریالیسم و ارتجاع با حملات ددمنشانه به حزب توده ایران و با تبلیغاتی کثیف تلاش دارند توده‌ها را نسبت به آرمانهای انسانی و شریف ما بد بین کنند. آنها می‌کوشند تا در پناه کارزار خائنه کمونیزم ستیزی و شوروی ستیزی، راه را برای پیشبرد اهداف پلیس خودش هموار سازند. در چنین شرایطی ایستادگی همه نیروهای انقلابی در مقابل این توطئه‌های رذیلانه و دفاع از حزب توده ایران که آماج اصلی این حملات است، وظیفه‌ای انقلابی و مردمی است. سازمان ما به این وظیفه انقلابی پایبند است و دفاع قاطع از حزب توده ایران را پیگیرانه ادامه خواهد داد. نیروهای انقلابی و میهن پرست باید دست در دست هم علیه خود سربها و جنایات بیسابقه ارتجاع حاکم بپا خیزند و برای رها ساختن مردم در بند میهنان از چنگ استبداد و ظلم و محرومیت که ارتجاع حاکم برقرار ساخته است در صفوف متحد مبارزه را گسترش دهند. ما اطعمیان داریم که حزب توده ایران این بار نیز بسان گذشته بر مشکلات فائق خواهد آمد، دستاوردهای حزب طی مدت کوتاهی که از ضربات اخیر گذشته است، خود گواه بارز این امر است. حزب توده ایران مولود ضروریات جامعه ماست. تا مبارزه توده‌ها علیه اختناق استعمار و محرومیت جریان دارد، حزب توده ایران نیز وجود خواهد داشت. تا کارگران زحمتکشان میهن ما علیه امپریالیسم، کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکسان در مبارزه و ستیزند، حزب توده‌ها نیز زنده ماست.

حزب توده ایران به طبقه کارگر و توده‌های ملیونی تعلق دارد. پرچم حزب درفش پیکسار آنهاست و درخت تنوع حزب از دریای خروشان رزم توده‌ها سیراب میشود.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) بار دیگر چهل و سومین سال حیات پرافتخار حزب توده ایران را به کمیته مرکزی و همه رفقای تودهای شادباش میگوید و موفقیت روزافزون شما رفقای عزیز را در انجام وظایف انقلابی آن آرزوی کند.

کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
مهرماه ۱۳۶۳

پیام سازمان جوانان فدائی خلق ایران (اکثريت) به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید

بقیه از صفحه اول

دستاورد های عظیم مبارزه مردم رانابود کردند و باریگر حکومت بهره کشان و ستیزگران رادایر کردند . حکومت جمهوری اسلامی باگشودن درهای ایران به روی امپریالیستهای جهانخوار، میهن مارشالیان به سوی تحکیم وابستگی عمه جانبه به امپریالیستهای کشاند . ارتجاع حاکم با ادامه جنگ ویرانگر ، هر روز جنایات تازه ای می آفریند . کشتار هزاران جوان و نوجوان کودک ایرانی در میدانهای جنگ و دیگر پیامدها و حشتناک آن ، خشم و نفرت بیکران مردم را شعله ور ساخته است . سران جمهوری اسلامی با تهاجمات راهزانه و فاشیستی می کوشند احزاب و سازمانهای انقلابی و میهن پرست رانابود و مقاومت توده ها را درهم بشکنند . آنان خفقان و اختناق خونین و بیسابقه ای را به کشور ما تحمیل کرده اند . دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

رهبران جمهوری اسلامی ، در هراس از ترقیخواهی و آزاداندیشی مردم و رشد جنبش انقلابی، از همان روزهای نخست پس از پیروزی انقلاب به تدارک و اجرای ارتجاعی ترین اقدامات در مدارس و دانشگاهها پرداختند . هزاران تن از معلمین و استادان باسواد و مردمی و مترقی، از محیط های آموزشی اخراج و بسیاری از آنها به زندان و اعدام محکوم شدند . دهها هزار تن از دانش آموزان و دانشجویان مبارز انقلابی، تنها به جرم عقاید و مواضع انقلابی و حتی خواندن اعلامیه و روزنامه ، زندان و شکنجه و اعدام شده اند . تهاجم بربرمشانه ، زیر علم باصطلاح "انقلاب فرهنگی" به دانشگاهها ، و جنایاتی که در این راستا صورت گرفته در تاریخ کشور ما بی نظیر است . نفتیش عقاید و اختناق فاشیستی در مدارس و خصوصاً دانشگاهها ، به وقیحانه ترین و جهی حقوقی و اولیه انسانی را لگدمال می کند . خبرچینی مزدوران و عناصر مسخ شده "انجمن های اسلامی" وسیله اخراج ، زندان و حتی اعدام جوانان قرار گرفته است . کنکور چند مرحله ای و تمهیدات پلیسی گوناگونی صورت می گیرد تا تنها کسانی که وابسته به حکومت و خواستار جاسوسی برای آن هستند ، به دانشگاه وارد شوند .

اما همه این تشمیات نتوانسته و نمی تواند مانع حضور و نضج اندیشه انقلابی در دانشگاهها گردد . تادانشگاه هست ، اندیشه انقلابی و مبارز خواهد بود . نظارت شبانه روزی و جنایات اهریمنی در خیمن اوین ، سلطه انجمن ضد انقلابی "جنتیه" و فعالیت جاسوسی انجمن های اسلامی در مدارس و دانشگاهها ، قادر نبودند و نخواهد بود انقلابیون و مبارزین را خفه سازد . از نظر رژیم ، دانش آموزان و دانشجویان

"حق" ندارند برای ابتدائی ترین خواسته های صنفی خود مبارز کنند . هرگونه شکل صنفی مستقل در مدارس و دانشگاهها و هرگونه فعالیت قوی برنامه ای در امور تحصیلی هنری ، فرهنگی ، ورزشی و ... ممنوع است ، مگر اینکه توسط انجمنهای اسلامی و یاسیا - ست های ارتجاعی مربوطه به اجرا درآید . تئین نامتناقضی است ، اخیراً دانشگاهها ، نمودار بارز همین سیاستها و اقدامات ارتجاعی است . امروز ، در نتیجه ، سیاستها و اقدامات

بغایت ارتجاعی رژیم ، میلیونها نفر از کودکان و جوانان زحمتکش ما همچنان از امکان تحصیل محرومند . صد ها هزار د یلمه پشت در دانشگاهها مانده اند ، غول بیسواد ی همچنان بر سر نوشت میلیونها زن و مرد که از امکان سوادآموزی محرومند ، چیره است . افکار سیاه قرون وسطایی و درک ارتجاعی رهبران جمهوری اسلامی از سوادآموزی و تعلیم و تربیت ، طی این مدت تیشه به ریشه آموزش و پرورش مازده و وضع آنرا از گذشته به مراتب خرابتر کرده است . تخریب سیستم آموزشی و تنزل فاحش سطح آموزشی ، نتایج فاجعه انگیزی به بار آورده است ، که آثار و حشتناک مرد و دین سالهای گذشته و منصرفین از تحصیل بخشی از نمود آن است . دهها هزار معلم باسواد و دلسوز با تجربه اخراج و جای آنان را افراد بیسواد ، قشری و ارتجاعی پر کرده اند . کتابهای درسی بیش از پیش از مضامین علمی تهی شده و مطابق اهداف ارتجاعی و اندیشه های قرون وسطایی سرهم بندی شده است . اشاعه خرافات و باورهای ضد علمی ضد فرهنگی ، ضد تاریخ ملی و ضد ارزشهای انسانی ، بخش عمده برنامه های آموزشی را اشغال کرده است . وسایل کمک آموزشی کمترین جایبی در آموزش ندارند . بیشترین انرژی دانش آموزان و دانشجویان صرف آموزشهایی می شود که کمترین ارزش علمی و عملی ندارند . رشته های تحصیلی ، هر چه بیشتر از نیازهای واقعی جامعه دور شده اند . تعداد دانش آموزان رشته های غیرخدا ماتی ، شاخه فنی و حرفه ای تنها ۸٪ و دانش آموزان رشته هایی چون فیزیک و ریاضی از چند درصد تجاوز نمی کنند . به جای ساختن مدارس جدید بسیاری از کلاسها و مدارس موجود تعطیل شده اند . محدودیت برای تحصیل دختران که بنیاد بغایت ارتجاعی صورت می گیرد هر روز شدید تر می شود . از دانشگاهها که ۳ سال

بعد از تهاجم مغول و ارتحت فشارا کفار عمومی باز شده اند ، جزویرانه ای برجای نمانده است . استادان زحمتکش و باسواد تصفیه شده و امکانات آموزشی نابود گردیده اند . دانش آموزان و دانشجویان مبارز! فضایی که امروز در مدارس و دانشگاههای ماحاکم است کمترین شباهتی به یک محیط

پیام تبریک

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

به رفیق منگستو هایله ماریام

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کارگراتیوی

بسیار خوشحالم که از سوسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) برگزاری پیروزمندان کنکره موسسان حزب کارگراتیوی پی و بنیان گذاری حزب پشاهنگ طبقه کارگر و توده های اتیوی و انتخاب شخص شمارا به سمت دبیر کلی حزب کارگرمیمان شاد باش بگویم . بی گمان حزب کارگراتیوی پی ، کسه خود ثمره پیشرو ی پیروزمندان انقلاب اتیوی پی است ، بارهبری شما قادر خواهد بود کارگسران ورنجبران اتیوی پی را تادستیابی به همکارانهای والای آنها و جامعه ای مبرا از هرگونه ستم و بهره کنی ، پیروزمندان هدایت کند .

تجربه منحصر به فرد انقلابیون اتیوی پی با رهبری آن رفیق ارجمند ، در پیشبرد انقلاب و بنیانگذاری حزب کارگراتیوی پی به غنای تجربیات جنبش انقلابی در دیگر کشورها خواهد افزود .

پیروزیهای هر چه بیشتر حزب کارگراتیوی پی و شخص شمارا در راه تامین منافع حیاتی زحمتکشان اتیوی ، در راه صلح ، استقلال ، دموکراسی و سوسیالیسم آرزوی منم .

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

دبیر اول - فرخ نگهدار



پاسخ دبیر کل حزب کمونیست ایتالیا

به پیام تبریک دبیر اول

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

رفیق ارجمند!

علاقتمندم که به خاطر پیام تبریک و شهادت باش شما به مناسبت گزینش من به سمت دبیر کلی حزب کمونیست ایتالیا ، صمیمانه تشکر کنم . حمایتی که از لابلای بیانات د و ستانسه و پیرای شما نسبت به خود می یابم ، انگیزه ارزشمندی است برای استقبال از مسئولیت جدید و تعهدانه ای که به من سپرده شده است . حمایت شما همچنین حزب ما را در فعالیت بین المللی خود برای صلح ، تشنج زدایی ، دموکراسی و ترقی اجتماعی تشویق می کند . بهترین درود های خود را برای پیروزمندی فعالیت شما ابلاغ می کنیم .

الساند روناتا

علمی ، فرهنگی و تربیتی ندارد . در اینجالباس پوشیدن ، طرز رفتار ، دوستی ، حتی زندگی خارج از محیط تحصیل و اندیشه و فعالیت افراد باید در چارچوب معیارهای قرون وسطایی و ارتجاعی جمهوری اسلامی باشد . سینه زنی و نوحه خوانی به مناسبت های گوناگون ، تنبیه

هفته جنگ "رژیم": زمینه سازی برای یک یورش دیگر

بقیه از صفحه اول

این خونریزی بی فرجام به عمل می آید، به سیاست عمیقاً ضد ملی و ضد مردمی "جنگ، جنگ، تا پیروزی ...". ادامه دهند. "پیروزی خیالی-ای که بلندگویان رژیم ماههاست با وعده دادن آن، می کوشند تشریفوشوینسم و جنگ طلبی یازنگ و لعاب مذهبی را گرم نگه دارند.

"هفته جنگ" رژیم، علاوه بر تبلیغ و توجیه مجدد ادامه جنگ، و سخن پراکنسی و یافتن لاابالیات دربار به اصطلاح "مواهب" و "برکات" آن، که دیگری نوای گوشخسروش دائمی در تبلیغات حکومتی تبدیل شده است، هدف مشخص تری را نیز دنبال می کرد. محتوی و لحن تبلیغات مطبوعات و رادیو تلویزیون رژیم، و اظهارات و مصاحبه های سران ارتجاع، هفگی حاکی از آن بود که مرتجعین حاکم قصد دارند، جنون جنگ طلبی، ویرانگری و خونریزی خود را با انجام یک حمله و سیخ دیگر به خاک عراق، اوج تازه ای بخشند.

هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، عضو موثر "شورا عالی دفاع" و بلندگوی رسمی رژیم در این هفته طی یک مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی اظهار داشت به زعم وی، برای تحقق اهداف مورد نظر، "هنوز یکی دو ضرره عمیق نظامی باید وارد شود". رفسنجانی همچنین در نماز جمعه ششم مهرماه، گفت رژیم می خواهد به خیال خود نخست "ضربه نظامی" را وارد بکند و بعد "نتیجه سیاسی" بگیرد.

رفسنجانی در مصاحبه فوق الذکر، همچنین گفت: "الان مثل اول جنگ نیست که یک فتح برای ما موضوعیت داشته باشد. الان نتیجه جنگ مهم است و ما باید برای نتیجه جنگ همه چیزمان را آماده بکنیم." (اطلاعات اول مهر)

رژیم وقتی برای نخستین بار پس از فتح خرمشهر دست به عملیات و سیخ نظامی در خاک عراق زد، هدف از این عملیات را "فتح بصره" اعلام کرد. سلسله عملیات بعدی هرکدام با هدف مشخص نظامی، که البته هیچکس تحقق نیافت، انجام گرفت. اکنون سران حکومت می خواهند برای آنکه پس از قتلگه فرستادن هزاران کودک و نوجوان و جوان و سالمند در حمله بعدی مجبور نباشند باز هم بهانه های ارتقیلی "سلاح شیمیایی" و "تاکتیک جنگی اسرائیلی صدام" برای توجیه شکست خود بترسانند، می گویند عملیات بعدی یک "هدف سیاسی" (موهوم) را دنبال می کند.

"هفته جنگ" دقیقاً با هدف "آماده کردن همه چیز" (رفسنجانی) برای انجام حمله آتی انجام گرفت. البته، این بار بلندگویان رژیم محتاط تر عمل می کنند و به جای سخن گفتن از "حمله نهایی" آینده، از "یکی دو ضرره

عمیق نظامی" (همانجا) دم می زنند تا احیاناً پس از حمله نیز، دستشان برای ادامه جنگ همچنان باز باشد. سرمقاله نویس اطلاعات این "استیاط" را بدین شکل تشریح کرد: "به لحاظ تجربه و نیز تامل نیاستد چهارهیجان شد. سخن از عملیات آخرین، یا عملیات سرنوشت ساز و یا پایان فوری جنگ و ... به میان آورد."

موسوی نخست وزیر را از این هم فراتر نهاد و برای اینکه خیال همه را راحت کند، گفت: "تداوم جنگ" حتی اگر ۲۰ سال هم طول بکشد "برنامه و هدف جمهوری اسلامی است." (جمهوری اسلامی - ۳ مهر)؛ جنگی که در آن، به قول فرمانده سپاه پاسداران، "استراتژی جمهوری اسلامی ایران حمله است و استراتژی عراق دفاع است." (سخنرانی در نماز جمعه - ۶ مهر)

جالب اینجاست که رفسنجانی برای توجیه انجام عملیات وسیع بعدی، می گوید: "جنگ فرسایشی همان چیزی است که استکبار جهانی می خواهد، نه جنگ، نه صلح، نه حالت آتش بس و رکود. همین رفسنجانی کسی است که چند ماه پیش، از همین تریبون نماز جمعه، می گفت حالت "نه جنگ، نه صلح" به سود جمهوری اسلامی است و بالاخره به سقوط صدام منجر خواهد شد. اکنون وی با هدف ترازشیدن بهانه برای انجام یک یورش جنون آمیز، تاکتیک جنون آمیز دیگری (جنگ فرسایشی) را که تا چندی پیش از آن دفاع می کرد، مورد حمله قرار داده است.

"هفته جنگ" همچنین آشکار ساخت طراحان سیاست جنگی جمهوری اسلامی می خواهند در عملیات بعدی نیز از تاکتیک ضد بشری و جنایتکارانه "امواج انسانی" استفاده کنند.

یکی از روش های این هفته، همراه اندازه گیری تظاهرات اجباری دانش آموزان درد و میهن روز سال تحصیلی به سود جنگ اختصاص داشت. در آغاز هفته، اعلام شد "از دانش آموزان داوطلب جهت آموزش و اعزام به جبهه ثبت نام به عمل خواهد آمد." (جمهوری اسلامی - اول مهر) رژیم، که در برنامه خود بمنظور سیخ نیروی انسانی و "گوشه دم توپ" برای جبهه های علت رویگردانی و مقاومت ریزافزون مشمولین سربازان، و حتی پاسداران و بسیجی ها با مشکلات جدی روبرو شده است، می کوشد صفوف کاروانهای راهی جبهه های مرگ را با کودکان و نوجوانانی که هنوز پشت لبشان سبز نشده، پر کند.

وبالاخره، در چارچوب برنامه های "هفته جنگ" رژیم، باید از "روزی سیخ اقتصادی" که هدف "جنگی کردن اقتصاد" و قرارداد تمام

منابع مالی و اقتصادی موجود در خدمت جبهه ها برگزاشد، نام برد. در این روز اعلام شد وزارت معادن و فلزات قصد دارد برنامه "افزایش کاری از ۲ الی ۵ ساعت در روز" و "حقوق" را به ضرر کارگران و به سود داغ کردن کوره جنگ به اجراء آورد. (جمهوری اسلامی - ۳ مهرماه) مقامات گوناگون، آمار "کمک" های اجباری جمع آوری شده از موسسات تحت مسئولیت خود برای جنگ را منتشر کردند. وزیر معادن و فلزات با و قاحت گفت: "مجموع کمک های نقدی این وزارتخانه و سازمانهای تابعه آن به جبهه های نبرد ۲۰۰۰ بالغ بر یک میلیارد و ۲۴ میلیون و ۷۳۴ هزار ریال می باشد. ۲۰۰۰ وین کمک ها از حقوق افرادی پرداخت شده که در سخت ترین شرایط و در کانال ۶۰۰ متری عمق زمین و یاد پریای کوره های ذوب فلز مشغول کار طاقت فرسا بوده اند." (همانجا) طبق آمار رسمی منتشره در این هفته، جنگ برای کشور به قیمت روزی ۲۰۰ میلیون تومان تمام می شود، که قطعاً رقم واقعی بسیار بالاتر از این است. سران رژیم، بطرز و قبحانه ای جسز اخاذی بازم بیشتر از مردم را برای ادامه جنگ و یورش آتی، به آنها دادند.

روال برگزاری "هفته جنگ" از سوی رژیم باردیگر اهمیت دعوت سازمان ما، حزب توده ایران و سایر نیروهای انقلابی و ترقیخواه را برای بکارگیری همه امکانات علیه جنون جنگ طلبی حکام جمهوری اسلامی را نشان داد. اینک، وظیفه تک تک میهن پرستان و همه نیروهای صلح دوست و آزادخواه است که دست به دست هم دهند و نگذارند نقشه های جنون آمیز سران حکومت برای انجام یک یورش دیگر تحقق یابد.

حمله وسیع نظامی به خاک عراق، که مرتجعین حاکم قصد اجرای آن را دارند، برای میهن به منزله یک فاجعه بزرگ دیگر، و برای منطقه به معنای گسترش خطرناک آتش این کانون جنگ و تشنج است. نیروی صلح، که در اراده و خواست مردم و در تلاش همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه در داخل و خارج از کشور نهفته است، می تواند و باید بر نیروی جنگ و جنگ افروز فائق آید.

**برای پایان دادن
به جنگ و ویرانی،
علیه ارتجاع حاکم
مبارزه کنیم!
فدائیان - اکثریت**

بمناسبت شصت و سومین سالگرد شهادت حیدر خان عمو و غلو حیدر خان، خاکریز مقدم انقلاب گیلان بود



حیدر خان عمو و غلو
بزرگوارترین شهید ایران

تراکتی که بعد از شهادت حیدر خان عمو و غلو از طرف حزب کمونیست ایران منتشر شده است

بنحوی درد ناک و فاجعه آمیز قتل رسید
بدینگونه بود که در نهم مهر سال ۱۳۰۰

یکی از برجسته ترین رهبران انقلابی و شایسته ترین فرزند مردم به شهادت رسید

بعد از شهادت حیدر خان عمو و غلو، طرفداران کوچک خان به رشت هجوم آوردند و ساختمان مرکزی حزب "عدالت" را به آتش کشیده و عده زیادی از رهبران حزب، از جمله نصراله شیخ افوق، آریا بزاز و تنی چند از فعالین آنرا به شهادت رساندند. بعضی از رهبران جنگل، چون احسان ناله خان مجبور به مهاجرت شدند و در نتیجه در اواخر سال ۱۹۲۱، رشت زبر چکمه های خونین قشون ارتجاع به تصرف درآمد. جنگلی ها سرکوب شدند

چنین شد که شعله های نهضت رهایی ملی خلقهای ایران را، دوستان متزلزل و دشمنان قسم خورده خلق، دست در دست هم خاموش نمودند.



تراز دی جنگل، پند آموز است. آنجا که دوستان واقعی خلق، در تفرق و تشتت باشند، تنها دشمنان خلق کام می گیرند.

قشون کشی راه بجائی نبرده بود، تلاش خود را در جهت نابودی انقلاب از درون، شدت بخشید. جندی نداشت که تحریکات ارتجاع داخلی و خارجی در درون صفوف جبهه ضد امپریالیست، تخم کین و نفاق افکند.

در این زمینه، تردیدها و ناپیکیرهای کوچک خان، نقش بزرگی ایفا کرد. راه برای شکست خونین انقلاب هموار شد.
۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱، کمیته انقلاب به اجلاس نوبتی در "صومعسرا" فراخوانده شده بود. در محل جلسه، اعضای کمیته، حیدر عمو و غلو، خالو قربان، محمدی، سرخوش، خالو کریم حضور داشتند. کوچک خان برخلاف قرار، به جلسه نیامد. احسان ناله خان نیز، در نزدیکی "رود سر" در جبهه بشرعی برد. جندی از اجلاس بگریخته بود که باران لیل به سر محل اجلاس بارید و شعله های آتش از آن زبانه کشید. سرخوش، زنده، زنده سوخت. خالو قربان، خالو کریم و حیدر خان، از پنجره خود را بیرون انداختند. وی در درون جنگل پناه بردند. حیدر خان که آشنایی به راههای جنگل نداشت، به دشواری و با تنی زخمی خود راه قصبه ای بنام "پسیخان" در نزدیکی رشت رساند. در آنجا توسط سردسته یکی از گروههای جنگل دستگیر شد و سرانجام به دست "معین الرعایا" یکی از طرفداران کوچک خان سپرده شد. در آنجا این فرزند قهرمان و فرزانه خلقهای ایران در اوج شکوفائی همسایه جنبه خاص رهبریش، در سن ۴۲ سالگی،

نام حیدر خان عمو و غلو، انقلابی فرزانه، سازمانگر و بنیادگذار فرقه سوسیال - دمکرات و حزب کمونیست ایران و انترناسیونالیست بزرگ، بر پستانی جنبش رهایی ملی خلقهای ایران، از چنان درخششی برخوردار است که یاد و نسام خجسته اش، همواره در دل های رزمندگان راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم زنده است و عزم و اراده پیروان راهش را استواری می بخشد.
نقش و حضور حیدر خان در عقیم نداشتن توطئه ها و فتنه های ارتجاع داخلی و خارجی بر علیه جمهوری نوین گیلان، نقش عظیم و حضوری بغایت ثمرآفرین بود، و از همین رو نیز، ارتجاع وی را به صورت سدی عمده در مقابل خود می دید. تدابیر هوشمندانه و انقلابی حیدر خان، به دفعات پیش از ارتجاع را خفیه ساخت. آنزمان که سوه تدبیر کوچک خان و اطرافیان، محیط را برای پاشیدن تخم فتنه و فساد (ارتجاع، مساعد می نمود و انقلاب را با خطر جدی مواجه می ساخت، اندیشه شهادت و جسارت کم نظیر حیدر خان، نقشه های ارتجاع را نقش بر آب می کرد. آخرین یورش قشون ارتجاع قبل از شهادت حیدر خان، به سرکردگی رضا خان وزیر جنگ حکومت مرکزی، از جانب نیروهای انقلابی جنگل که توسط حیدر خان رهبری می شدند دفع و قشون دشمن تار و مار گردید. بعد از آن حادثه، اعتبار حکومت انقلابی گیلان و نفوذ معنوی حیدر خان در میان توده ها بطور چشمگیری بالا رفت. ارتجاع مرکز، که از طریق



به فلج کامل دچار گشت و بینایی خود را از دست داد، ولی او را سر سازش با زینستن ببوده و به دو روز خدمت به میهن نبودند. لذا به دلیل ناتوانی بدنی، حمله را از جبهه بکسرونی آغاز کرد. نیکلای گام در راه نویسنده گی نهاد. او باستانی لرزان و به کمک یک وسیله ویژه ابتکاری که عبارت از مقوایی سوراخ شده بود، اولین فصول یک رمان را نوشت. برخی از قسمتهای آنرا نیز به دوستان و خویشان و دانش انشا کرد. بالاخره کوشش پهلوانی او به کمال بقیه در صفحه ۸

بمناسبت هشتادمین سالگرد تولد نیکلای آستروفسکی به پیش! به پیش! تا نخستین صف!

مشغول کار شد. ابتدا آکارگری ساده بود و بعد به عنوان آنتنکار لوکو مو نیو بخاری استخدام شد. او در سن ۱۶ سالگی به ارتش سرخ پیوست تا از زمین و انقلاب سوسیالیستی در برابر متجاوزین بیگانه و نوکران ضد انقلابی داخلیشان دفاع کند. آستروفسکی در ۱۹ سالگی به سمت دبیر کمیته ناحیه ای سازمان جوانان حزب (کمسومول) انتخاب شد. در اینجانب نیز همچون دوران شرکتش در جنگ، از هیچ کوششی در رهبری جوانان برای بازسازی اقتصاد درهم پاشیده و ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی ناحیه خویش بازنا ایستاد.

شعار نیکلای آستروفسکی این بود: "به پیش! به پیش تا نخستین صف!" او حتی زمانی که سرنوشت ناسازگارش ضریب خرد کننده خود را یکی پس از دیگری برپیکر او وارد می کرد، دست از این شعار نداشت. زخمهایی که در طول جنگ برپیکرش وارد آمد، بود پیامدهایی را بارآورد که رفته رفته به یک بیماری گسترش یابنده و مرمگ آور بدل شد. تنها ۲۳ سال داشت که تقریباً

اصال مصادف با هشتادمین سالگشت تولد نویسنده مشهور شوروی، نیکلای آستروفسکی است. مردی با شخصیتی بی همتا و شجاعتهایی بی مانند.
کتاب "چگونه فولاد آبدیده شد" او که از شهرت جهانی برخوردار است، بیش از پنج سال پیش نوشته شد. در آن زمان او مرد بسیار جوانی بود که هیچ تجربه ای ادبی نداشت. از این گذشته، سالها بود که در ستی بیماری بسر می برد و می دانست که به ناچار کور و کلاما فلج خواهد گشت.

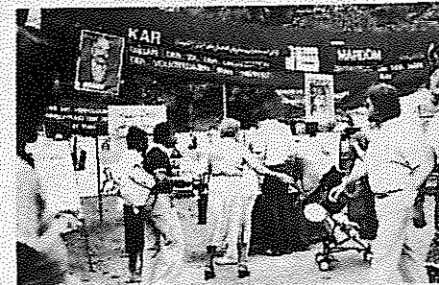
اگرچه او سرنوشت تلخی داشت، ولی از خوشبینی چشمگیر، استعدادی نادر و ارادتی شگفت برخوردار بود. وی در سن ۳۲ سالگی درگذشت ولی می توان گفت که عمر کوتاهش یک شاهکار به تمام معنی و ایثارگرانه در خدمت انقلاب و فردای روشن توده ها شد.
نیکلای آستروفسکی سال ۱۹۰۴ در شهر کوچکی به نام پشتو و کادرا و کرین تولد یافت. پسرک که خانواده فقیری داشت به ناچار از کودکی

باتمام قوا و با بهره‌گیری از هر امکان و اجتماعی، در افشای جنایات ارتجاع بکوشیم!

گزارش چند آکسیون اتریش

در روزهای اول و دوم سپتامبر جشن مطبوعاتی "صدای خلق" Volks Stimme ارلان حزب کمونیست اتریش، در وین برگزار شد. در این جشن که احزاب کمونیست و نیروهای مترقی بسیاری از کشورهای مختلف جهان شرکت داشتند، حزب توده ایران و سازمان ما نیز به دعوت حزب کمونیست اتریش، حضور یافتند. نزدیک به یک صد هزار نفر از مردم اتریش در این جشن شرکت کرده و از غرفه‌ها و برنامه‌های

ارگه شد مدتی آن بازدید به عمل آوردند. غرفه مشترک "کار" و "نامه مردم" که بسیاری شعارهایی در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی و ناپاشگاه عسکری و یوستری که جنگ، کم‌تار، فقر و اختناق را در میهنمان نشان می‌داد، پسر شده بود، مورد بازدید بسیاری از شرکت کنندگان در جشن قرار گرفت. چندین هزار نفر از مردم اتریش و نیروهای مترقی سوسیالیست کشورها ضمن بازدید از غرفه ایران، با امضای متن درخواست آزادی زندانیان سیاسی و قطع فوری جنگ، همبستگی خود را با مردم ایران ابراز داشتند. غرفه مورد بازدید دبیرکل حزب کمونیست اتریش نیز قرار گرفت. اینان ضمن امضای متن تهیه شده، استقبال بازدید کنندگان از غرفه را چشمگیر خواند و آنرا بیانگر علاقه مندی مردم اتریش و نیروهای مترقی همه کشورها به مسائل ایران و حمایت آنان از مبارزات مردم ما دانست.



یونان

با به دعوت سازمان جوانان کمونیست یونان، هواداران حزب توده ایران و سازمان ما در این کشور، غرفه مشترکی در دهمین فستیوال روزنامه جوانان کمونیست یونان "ادیگیتیس" ODIGITIS برپا ساختند. جشنواره مذکور که همه ساله در ماه سپتامبر در آتن برگزار می‌شود، امسال نیز از سیزدهم تا شانزدهم سپتامبر با شرکت بیش

از نیم میلیون نفر، به نحو باشکوهی برگزار شد. غرفه مشترک حزب و سازمان مردم باز دید شرکت کننده در این جشنواره قرار گرفت. بازدید کنندگان غرفه مشترک با پرکردن ۲۰۰۰ کارت اعتراض نسبت به اعدام انقلابیون در ایران و پست کردن آنها برای سفارت - ۱۰۰ در آتن، حمایت خود را از مبارزات نیروهای انقلابی در ایران ابراز داشتند. رفیق سپرور هلواتز - سپر Halwatzi دبیر شورای مرکزی جوانان کمونیست یونان یکی از بازدید کنندگان غرفه بود که هنگام حضور در آن در رابطه با وضع کنونی ایران گفتوگویی با رفقای حزب و سازمان به عمل آورد و از سوی جوانان کمونیست یونان با مبارزات مردم میهن ما علیه ارتجاع حاکم ابراز همبستگی نمود.

هندوستان

لودیانا - در تاریخ بیستم ماه اوت امسال با فراخوان رفقای سازمان، جلسه‌ای در شهر لودیانا هندوستان برای تشریح اوضاع ایران و افشای جنایات جمهوری اسلامی برگزار شد. در این جلسه نماینده احزاب و سازمان‌های مترقی جمعی از دانشجویان و استادان دانشگاهی سنها از جمله استادان دانشکده کشاورزی پنجا و رئیس دانشکده خالسا و نیز تعدادی از کسبای مترقی شرکت جستند.

در ابتدای جلسه، توسط رفقای سازمان توضیحاتی درباره اوضاع کنونی ایران و ضرورت دفاع از زندانیان سیاسی و محکوم نمودن جنایات رژیم جمهوری اسلامی داده شد. سخنران بعد جلسه، ضمن پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه مردم ایران، دستگیری، شکنجه و اعدام نیروهای انقلابی را محکوم ساخته و برای تشکیل "کمیته دفاع از انقلاب و زندانیان سیاسی ایران" ابراز آمادگی نمودند. سرانجام ۶ نفر به عنوان عضوی کمیته انتخاب شدند. در همین جلسه بیانیه اعلام موجودیت کمیته صادر شد و قطعنامه‌های نیز به تصویب رسید. در قطعنامه آمده است: "شرایط فعلی ایران موضوعی است که فکر همه آنها را که ارزشهای دموکراتیک برایشان گرانی است، به خود مشغول می‌دارد. مردم انقلابی و میهن پرست ایران، که رژیم دست نسانده شاه را در سال ۱۹۷۹ سرنگون کردند، انتظار داشتند که دولت جدید، تغییرات اجتماعی - اقتصادی بنیادینی را بوجود آورد. ولی برعکس، دولت - ۱۰۰ که قبلاً...

زستهای مردمی گرفته بود تغییر جهت داد. ... تمام کسانی که با سیاستهای آن مخالف بودند ترا سرکوب کرد. در این روند، هزاران نفر بی‌بزه از اعضای حزب توده ایران، سازمان فدائیان

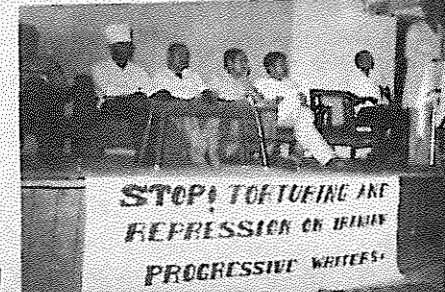
خلق ایران (اکثريت)، مجاهدین خلق و سایر نیروهای مترقی و دموکرات، یازدانی شدند. با اعدام... در قطعنامه خواسته شده است که کلیه حقوق دموکراتیک در ایران استقرار یابد، زندانیان سیاسی همه تروها به فوریت آزاد شوند و جنگ متوقف گردد.



IRAN - IRAQ WAR!

پوستری که کمیته دفاع از انقلاب و زندانیان سیاسی ایران در آستانه هفته تبلیغ علیه جنگ منتشر نمود.

در روزهای پنجم و ششم سپتامبر در کنفرانس نویسندگان مترقی هیماچال پرادش برگزار شد. در این کنفرانس چهره‌های ادیبی سرشناسی همچون دکتر واریام سندت عضو فدراسیون ملی نویسندگان هندوستان، شمش باردا و شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار مشهور، و رفیق کشوراما شاعر معروف ایالت هیماچال پرادش شرکت داشتند. رفقای سازمان ما نیز در این کنفرانس حضور یافته و از وقتی که در اختیار آنان گذاشته شده بود برای افشای تحقیقات و جنایاتی که جمهوری اسلامی در حق نویسندگان شاعران و هنرمندان و همه نیروهای انقلابی میهنمان روا می‌دارد، بهره جستند. در محل کنفرانس نایشگاهی نیز از سوی رفقای ما برپا شده بود که مضمون آن افشای اختناق موجود در ایران بی‌بزه در رابطه با نویسندگان و هنرمندان بود. این پلانها نیز در سالن سخنرانی نصب شده بود: "اعلام و سرکوب نویسندگان



نهادهای و ادارات جمهوری اسلامی، غرق در فساد و رشوه خواری

ترك دنیا به مردم آموزند
خويشتن مال و غله اند و زند

فساد، رشوه خواری، باند بازی و بیه
قول خود رهبران حکومتی "رابطه گرایسی
و توصیه بازی"، یعنی از وجوه بارز ارگانها،
نهادهای و ادارات دولتی رژیم جمهوری اسلامی
شده است. فساد آنچنان برجستگی یافته
است که اکنون خود رهبران رژیم نیز که مسبب
این وضعیتند، از نیاز به انقلاب آداری سخن میگویند.
این وضعیت و نیز اصطلاح "انقلاب آداری"
برای مردم میهن ما پدیده های تازه ای نیستند.
در اواخر عمر رژیم پیشین نیز با اوج گیری لجاجت
گسیخته تر فساد و زدنی و رشوه خواری، شاه
هم از "انقلاب آداری" دم می زد.
در اواخر مرداد ماه سال جاری، اخباری
مبنی بر دستگیری برخی از مسئولان دولتی،
به جرم رشوه خواری، در روزنامه ها منتشر گردید.
در شهرداری تهران ۶ نفر از کارکنان عالی رتبه
و از جمله شهردار، منطقه، به همین جرم دستگیر
شدند. در وزارت صنایع سنگین نیز مدیر کل
وزارتخانه و ۵ کارشناس به همین خاطر دستگیر
گردیدند.

این موارد، که به دلایل معینی (از جمله
رقابت جویی و تضاد باند های رشوه خوار
بایکدیگر) افشا گردیده اند، به هیچ وجه تضاد فی
استثنایی و گداری نیستند.

تازه به دوران
رسیده های جمهوری اسلامی در زمینه فساد،
د زدنی و رشوه خواری گهی سبقت را از کهنکارها
رژیم شاهنشاهی نیز برودند. نشریه
"اکنونویست" چاپ لندن در این مسود
می نویسد در ایران "قبل از انقلاب آنهایی که
در مشاغل بالا بودند، دیواسه در صدارت
فرزادادها را به عنوان رشوه اخذ می کردند،
ولی حالا به دلیل اینکه افراد مرتبا به خاطر
مسائل سیاسی از مشاغل خود برکنار می شوند،
بنابراین می خواهند زودتر ثروت مند تر شوند و از
اینرو اکنون، ده درصد یا بیشتر از ارزش قرار
دادها را به عنوان رشوه برمی دارند."

سواستفاده ها و زدنیهایی که در حال
حاضر در ارگانهای جمهوری اسلامی صورت
می گیرد، ارقام کلانی را تشکیل می دهند. تاکنون
تنهاد رجریان درگیریهایی بین جناحهای مختلف
حاکمیت، گوشه های کوچکی از این سواستفاده ها
در معرض دید همگان قرار گرفته است. بیه
عنوان نمونه، یکی از نمایندگان مجلس
وضعیت را در وزارت نفت چنین توصیف می کند:
"۹۰۰ میلیون دلار در رابطه با قرارداد های
تصفیه نفت خام در طی یک سال و نیم، زیان بیه
کشور وارد شده و نیز زیانی به میزان ۵۰ میلیون
بقیه در صفحه ۹

ایران، ترکیه و عراق اختصاص داشت. از آنجایی
که ارتش ترکیه از ناتو دستور می گیرد و در سرکو
خلق کرد باید نقش آمریکا را نیز در نظر داشت
به سعت یک مترسک عمو سام نیز که از جانب رفقای
ما تهیه شده بود، کوجه فرنی و تخم مرغ نندیده
پرتاب شد.

خبر این مراسم در روزنامهها و رادیوی
کپنهاک، انعکاس یافت.

آلمان فدرال

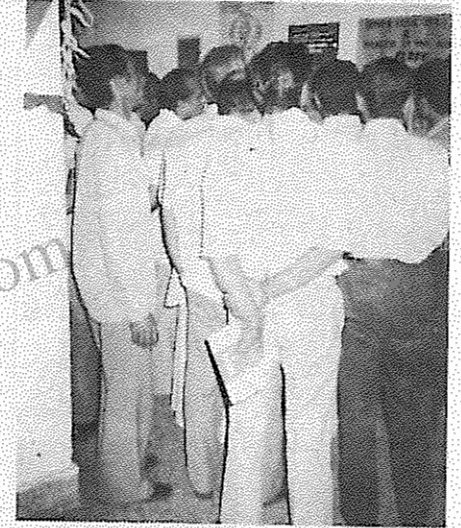
اشتوتگن بروک
در جریان جنگ جهانی دوم بیست و
۴۰ هزار تا ۶۵ هزار نفر از سربازان ارتش
سرت و سربازان لهستانی، یوگسلاویایی، فرانسوی
و بعداً از ایتالیا بیبهای دمکرات در هنگام مصاف
با ارتش هیتلری در جبهه های که اکنون آن شهر
کوچک اشتوتگن بروک در ۳۰ کیلومتری بی لفسلد
بود کشته شدند. برخی از کشته ندها اسیران
جنگی بودند که به نحو وحشیانه ای شکنجه
شده و اعدام گردیده اند. هر ساله در این محل
برای بزرگداشت یاد قربانیان فاشیسم و جنگ
مراسمی با شرکت نیروهای ترقیخواه، برگزار
می شود.

امسال نیز در اول سپتامبر - روز جهانی
صلح - مراسم با سخنرانی نماینده سفارت اتحاد
شوروی آغاز گشت. در جریان دردهمایی، سیا -
ستهای جنگ افزوانه ریلان با فاشیسم هیتلری
قیاس شده و محکوم گردید. رفقای ما و حزب و نیز
کمیته همبستگی با ایران در این مراسم حضور
داشتند. از طرف هر سه جریان دسته کلپایی
بر روی آرامگاه سربازان شهید جنگ دوم نهاده
شد و تعداد زیادی اعلامیه مشترک حزب و
سازمان به مناسبت روز جهانی صلح به زبان
آلمانی پخش گردید. کارت پستالهایی نیز بین
جمعیت توزیع شد که مضمون آن محکوم ساختن
جنايات جمهوری اسلامی و جنون جنگ طلبی
این رژیم بود. بسیاری از شرکت کنندگان در
مراسم این کارت پستالها را امضا کرده و برای
سفارت رژیم در برن ارسال نمودند.



کاپرزولا وترن - رفقای سازمان ما و حزب
توده ایران در مراسم روز جهانی صلح - اول
سپتامبر - که به دعوت D.G.B برگزار شد،
شرکت جستند و با حمل پلاکارد و پخش
اعلامیه و گرفتن امضا، شرکت کنندگان در این
مراسم را در جریان جنايات جمهوری اسلامی و
جنون جنگ طلبی این رژیم، گذاشتند.

مترقی ایران را قطع کنید"، زندانیان سیاسی
در ایران، باید آزاد شوند"، "شکنجه و اعدام
نویسندگان ایرانی را محکوم می کنیم"، "جنگ
ایران و عراق باید متوقف شود".
اکثر سخنرانان کنفرانس که از چهره های
ادبی برجسته هند وستان بیره ایالت هیماچال
برادش بودند اختناق موجود در ایران را محکوم
کرده و خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی
ایران خاصه نویسندگان و هنرمندان نشتنند. همه
سخنرانان بر روی جنایات رژیم جمهوری اسلامی
در رابطه با چهره سیاسی و ادبی برجستهای
همچون احسان ظهیری تکیه ویژه ای داشتند. در
پایان کنفرانس قطعنامه ای نیز در این مورد بیه
تصویب رسید.



نمایشگاه عکس هواداران سازمان در محل دومین
کنفرانس نویسندگان مترقی هیماچال برادش

دانمارک

به دنبال تجاوز نظامی ارتش ناتوی
ترکیه به مناطق کرد نشین ایران و عراق، در روز
چهارشنبه ۵ سپتامبر در شهر کپنهاک دانمارک
یک حرکت اعتراضی نسبت به این اقدام سرکوبگرانه،
انجام گرفت. یک هفته پیش از این تاریخ، بیه
دعوت انجمن کارگری - ترکی F.A.T. نمایندگان
جریانات مختلف سیاسی سه کشور ایران، عراق و
ترکیه، در جلسهای رایج به نحوه سازمان دادن
این حرکت و صدور قطعنامه مربوط به آن، بیه
بحث و تبادل نظر پرداختند. علاوه بر حزب
توده ایران و سازمان ما ۸ سازمان ترکی، عراقی و
دانمارکی نیز در جلسه هماهنگی حضور داشتند
که همگی قطعنامه را امضا کردند.

در ساعت ۴/۵ بعد از ظهر روز سه شنبه
نظاره کنندگان در محل مقرر شده جمع شدند و به
سمت دفتر هواپیمایی ترکیه حرکت کردند. پیشاپیش
جمعیت پلاکاردهایی با عبارتهایی همچون "زنده
باد همبستگی خلقهای جهان" و "دست
ارتش فاشیست ترکیه از کردستان کوتاه باد" یا
امضای "نیروهای دمکراتیک ایران، عراق و ترکیه"
حمل می شد. شعارهای نظاره گران همگی بعد فاع
از خلق کرد و محکوم ساختن رژیمهای ارتجاع

در حاشیه

زمین از آن کیست؟ مال مردم یا موقوفه خواران

اطلاعات ۲۵ مرداد:
● "کشاورزان پنج قره مامازند، پلنت، قوهه قلعه نو یا رمبواز تواج " پلشت" ورامین با ارسا طوماری به اطلاعات، از اینکه سازمان اوقاف : اراضی این قرا را موقوفه اعلام نموده است، اظهار نترانی کرد ماند .

در بخشی از این طومار آمده است:
"زمینهای ما کشاورزان سالها پیش توسط اجدادمان احیا شده و ما وارث آنها هستیم . علاوه بر این زمینهای قرای مذکور به ما کشاورزان فروخته شده و اسناد مربوط در دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۷ تهران موجود است . لذا از اداره اوقاف "پلشت" تقاضا داریم در این زمینه تجدید نظر بعمل آورد ."
اطلاعات ۲۹ شهریور:

● "به این وسیله به اطلاع اهالی روستاهای مامازند، پلشت، قوهه، قلعه نو یا رمبویه می رساند که روستاهای مزبور از ۵۰ سال پیش موقوفه بود و بر اساس سند و قفنامه معتبر موجود که به تایید سازمان اوقاف جمهوری اسلامی رسیده است ، روستاهای مذکور وقف اطفال یتیم می باشند و اراضی کشاورزی فروخته شده در زمان طاغوت ، غیر شرعی می باشد و اسناد مربوطه باطل است و متصرفین ملزم به تنظیم سند اجاره یا موقوفه می باشند ، لذا تصرف اراضی بهر عنوان غیر شرعی و غیر قانونی بوده و متصرفین قابل تعقیب خواهند بود ."
(موقوفه مجتمع تربیتی متفکین)

دز قوصیف پول

امامی کاشانی امام جمعه موقت تهران :
" پول نعمت خداست و این نعمت برای استفاده انسان است اگر کسی استفاده نکند به جان خود و آفرینش خیانت کرده است . . . چه یاری خوبی است بر تقوی ، مال پول و ثروت . چون با پول انسان میتواند سعادت را بخرد . . ."
اطلاعات ۲۱ شهریور

جنگ موهبتی در حساب نیا مدنی!

سرمقاله در روزنامه جمهوری اسلامی ۱ مهر:
بی شک جنگ هم نعمت و موهبت و رحمتی است وصف ناشدنی و در حساب نیامدنی ، همچنانکه امام به کرات فرموده است . وقتیکه طوفان جنگ در دریای خفا می زند به تیرانی می نیند و فغان و میه و شیون مردان و زنان به آسمان پرمی نشد اما همین طوفان بسیار بیشتر از این نرداز رخ استعدادهای بیسر می دارد ، سنگ از روی ارزشها کنار می زند . . . باری جنگ برای ملت سلخشور ما چنین موهبتی است و این موهبت را قدر باید دانست و ارزش باید نهاد . . ."

"قویترین امنیت اقتصادی" برای میلیاردرها

رفسنجانی :
" سیاست دولت از مدتها پیش به این طرف این بوده است که بخش خصوصی را بیشتر فعال بکند . . . در همین دوران پانزده سال گذشته دولت با بیش از ۱۷ هزار طرح سرمایه گذاری در بخشهای مختلف تولیدی و اقتصادی از سوی بخش خصوصی به سرمایه بیش از هشتصد و نود میلیارد ریال موافقت اصولی کرده است که این آمار نسبت به سالها پیش از انقلاب قابل مقایسه نیست و اینها غیر از سرمایه گذاری یکصد میلیارد ریالی در صنایع سنگین از سوی بخش خصوصی است . . . این

بی انصافی است که گفته شود در جمهوری اسلامی امنیت اقتصادی وجود ندارد در حالی که من آنرا قویترین امنیت اقتصادی در سراسر دنیا می دانم ،"

(رادیو جمهوری اسلامی - امهر)

گوشه ای از مبارزات آقایان!

صادق خلخالی در خاطرات سیاسی خود در روزنامه آزادگان جریان دستگیری دو سه روزه آقایان (سال ۴۲) و بعد نحوه آزادیشان را چنین می نویسد :
" و نجا (زندان موقت شهرستانی) از طرف بعضیها (ساواک) پول می آورد ندکه ما اون پول را نگرقتیم ولی بعضی از آقایان گرفتند و ما گفتیم درست نیست ."
(آزادگان ۱۹ شهریور)

منتشر شد



ششمین شماره دفترهای هنر و ادبیات منتشر شد . در این دفتر آثاری از سیاوش کسریایی، میرفطرس، صمد بهرنگی ، علی اشرف درویشیان ، شفق ، مانی ، علی نجفی ، محمد علی افراشته و احسان طبری ، به چاپ رسیده است .

به پیش! به پیش! تا نخستین صف!

در رسیدن به هدف ، انسانیت او و احساسات همبستگی رفیقانه اش ، امروز نیز سرمشق جوانان است . . . چند نسل جوانان شوروی اندیشه های کورچاگین را که راهنمای زندگی خود دوی بوده است ، سرمشق خویش کرده اند . " همیشه در نخستین صف ف باش ! " و " حتی وقتی زندگی غیر قابل تحمل می شود زندگی کن . بکوش برای مردم مفید باشی " این نگرش که سرمشق خود نویسنده نیز بود مویزه در سالهای سخت جنگ ضد فاشیستی محور شکل دادن به یک چنین کیفیاتی در میلیونها مردم شوروی گشت .
وسعت دامنه خوانندگان کتابهای آستروفسکی (رمان دوم او " تولد توفان " نام دارد) به صورت استثنایی زیاد است . کتابهایش مجموعاً ۵۵۰ بار تیراژ کلی ۲۶ میلیون

بقیه از صفحه ۵
رسید و کتاب از زیر چاپ بیرون آمد . نیکولای آستروفسکی دوباره به صف پیوسته بود . رمان " چگونه فولاد آبدیده شد " ، وی را شهسره جهان کرد و از آن روز به صورت کتاب مورد علاقه جوانان شوروی و دیگر کشورها درآمد .
شخصیت اصلی رمان ، مرد جوانی است به نام پاول کورچاگین که همپای انقلاب گام برمی دارد ، انقلابی که به زاده شدن جامعه ای نوین انجامید . رمان مزبور بسیاری و قایم است آن دوران توفانی را بر اساس سرگذشت خود نویسنده به روشنی بازسازی می کند . پاول کورچاگین ، رزمنده شجاع راه آزادی و پهروزی مردم خویش ، هنوز بر دل خواننده امروزی می نشیند و " قهرمان زمان ما " باقی مانده است . ما و راعیزمی داریم چرا که با صبر خود

به ۱۱۲ زبان مختلف چاپ شده اند .
روزی نیکولای آستروفسکی به یک خبرنگار خارجی گفت : " من کوشیدم نه یکبار که همیشه " قهرمان " باشم . من بر همه تلخنا می های زندگیم - نابینایی ، فلج و درد توانفرسا - پیروز شدم . من علیرغم همه چیز ، انسان شیرین کامی هستم ."
او قهرمان همه اعصار بود . بر بیماریهایش چیره شد . در زندگی به شاد کامی رسید و چاودانگی را در نویسندگی آزان خود ساخت .

مقاله ای که در بالا از نظر تان گذشت از ما هتاهما ادبیات شوروی (شماره سه پانزدهم ۸۴) ترجمه شده است . ما به همه رفقای که رمان " چگونه فولاد آبدیده شد " را مطالعه نکرد مانده ، توصیه می کنیم که این رمان گراند راکه مملو از عشق به زندگی و شور و انقلابی است و در آن اراده بشری تجلی ویژه ای یافته است ، بخوانند .

کارنامه جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی،

سیاه و ننگین است ۲

مدارس ملی، رفع موانع

علا نیز از مدت‌ها قبل، پیش از پیام ۶ شهریور در رسمیت و صراحت بخشیدن به باز بودن دست‌تجار و سرمایه داران در غارت و چپاول مردم، سیاست حفظ برخی از مدارس خصوصی تحت عناوین کوناگون و برای ایامی مناسب پیش‌برده می‌شد. کیهان در شماره ۲۷ شهریور خود می‌نویسد: "پس از پیروزی انقلاب اسلامی و انحلال مدارس غیر دولتی، مسئولین بعضی از مدارس اسلامی با اعلام غیر انتفاعی بودن و عدم مغایرت آن با قانون بنه فعالیت خود ادامه دادند. در این زمینه تبصره‌ای از سوی شورای انقلاب مبنی بر مشارکت مردم (۱) در امر تعلیم و تربیت در کنار قانون انحلال مدارس غیر دولتی تصویب شد. و اکنون پس از رفع موانع "مدارس اسلامی غیر انتفاعی" و دیگر مدارس خصوصی وسیعاً با پرداخت حقوق‌های کفاف نسبت به مدارس دولتی به جذب محصلین باسواد و مجرب و نیز اخذ مبالغ سنگین به عنوان مختلف و هنوز نه "شهریه" مشغولند. در این زمینه روزنامه مجاز کیهان می‌نویسد: "مسئولین اینگونه مدارس به منظور ارائه خدمات رفاهی و سایر امکانات آموزشی مبالغه‌آمیز را از والدین دانش‌آموزان دریافت می‌کنند. به این ترتیب عملاً امکانات آموزشی موجود در اختیار طبقه مرفه جامعه قرار می‌گیرد".

در همین روزنامه آمده است: "در دبیرستان البرز از هر خانواده برای ثبت‌نام دانش‌آموزان بین هزار تا هزار و پانصد تومان پول نقد دریافت می‌شود".

انصراف و محرومیت از تحصیل

کارنامه مسئولین آموزش ابتدایی و متوسطه فقط در زمینه به سقوط گذاشتن و تزلزل با زهم بیشتر سطح آموزش و قطعی کردن آن سیاه نیست. یکی از "شاه" کارهای آنان در این زمینه را باید در محروم کردن صدها هزار دانش‌آموز زمینفشان از تحصیل دانست. سیاستهای جاری و دستورالعمل‌های ارتجاعی ارائه شده در آموزش پرورش عملاً جمع‌کثیری از فرزندان زحمتکشان میهن و بویژه دختران روستایی را از تحصیل باز داشته است. بخشنامه‌های دایر بر منع تشکیل کلاسها با کمتر از ۳۰ نفر - این حد نصاب بعداً و در برخی مراحل و مناطق ۱۰ نفر عنوان گردید - و همچنین سیاست جداسازی مدارس دختران و پسران، تعطیلی بسیاری از مدارس و بویژه در روستاها را بدنبال داشته است. اینگونه اقدامات منقطع و ارتجاعی، در کنار تشدید بحران اقتصادی و فشارهای کمرشکن ناشی از جنگ و فقر گرانی و بیماری و... پیش از پیش به میزان منصرفین و محروم شدگان

نهادهای ادارات

د لار در رابطه با فروش چهارمیلیون بشکه نفت خام به شرکت کاغذی دلال نفت که این شرکت‌های دلال فقط روی کاغذ وجود دارند ۰۰۰ ریالی به مبلغ یازده میلیون تومان به بیت‌المال که در رابطه با فروش بشکه‌های خالی نفت توسط یکی از اطرافیان وزارت نفت صورت گرفته ۰۰۰ در خرید ۵ میلیون متر چلوار و کرباس سواستفاده صورت گرفته و آن را در بازارهای سیاه خوزستان و فارس به فروش رسانده‌اند. (کیهان ۱۳/۶/۲۱)

فساد تنه‌ها به این ارگان و آن اداره محدود نیست. در همه ادارات و ارگانها فساد در تمام سطوح گسترش یافته است. گزارشات مستقل نشان می‌دهد که در وزارت نفت، صنایع سنگین، بازرگانی، سپاه پاسداران، دفاع ملی، سازمان صنایع ملی، بنیاد مستضعفان و... دزدی و اختلاس در ارقام نجومی صورت می‌گیرد. رشوه خواری و اختلاس توسط مسئولین و مقامات حکومتی و دولتی تنه‌ها به معاملات خارجی محدود نمی‌شود. در مراجعه به ادارات و نهادهای دولتی تقریباً برای انجام هر کاری باید رشوه پرداخت. باند‌های رنگارنگی در درون ارگانها مختلف تشکیل شده‌اند که "گره‌گشای" هرگونه مساله‌ای هستند. با دادن رشوه به این باند‌ها می‌توان هر منوعی را مجاز ساخت و هرنوعی را نادیده گرفت. بسیاری از کارها، بر مبنای توصیه و تلقین صورت می‌گیرد. برای استخدام شدن در یک اداره یا شرکت دولتی، حتماً باید چند معرف ذینفوذ داشت و برای گرفتن وسایل اولیه زندگی لازم است دم‌آخوند یا کمیته‌چی‌ها محل را دید.

در یکی دو سال اولیه عمر رژیم جمهوری اسلامی جنبه مالی فساد ارگانهای دولتی کمتر عیان بود. انحصار طلبی حکام باعث می‌شد که فساد بیشتر شکل رابطه بازی و پنهان شدن در پس‌یک نقاب مذهبی با توسل به ریش و تسبیح را به خود بگیرد. هنگام با پشت کردن رهبری جمهوری اسلامی به انقلاب در عین حال کسسه انحصار طلبی و باند بازی رشد یافت و بر حرمت ریش و تسبیح افزوده شد. جنبه فساد مالی و رشوه خواری و دزدی نیز برجستگی بیشتری پیدا کرد.

اکنون فضاحت این وضعیت آنچنان آشکار گشته است که رهبران جمهوری اسلامی خود را ناچار به نشان دادن و انکشاف آن می‌بینند. از صحبت‌های هفته‌های اخیر رهبران رژیم پهلوی برمی‌آید که این انکشاف چگونه خواهد بود. همه کاسه و کوزه‌ها بر سر کارمندان شکسته خواهد شد که دستشان به جایی بند نیست و به باند‌ها رژیم وابسته نیستند.

فساد، رشوه خواری و باند بازی ذاتی حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی است. به راه انداختن معرکه تازه‌ای با عنوان "انقلاب ادبی" ویا "مبارزه با فساد در ادارات" تنها در حکم به هم زدن یک باطلای متعفن می‌باشد.

از تحصیل می‌افزاید بسیاری از دانش‌آموزان در مراحل مختلف تحصیلی مجبورند برای شرکت در کار تأمین مخارج خانواده و تحصیل مزدی ناچیز مدرسه را رها کرده و به بازار کار رو آورند. سیاستهای خائنه حاکمیت جمهوری اسلامی در تشدید آلام و مصائب خلق و نیز دستورالعملها و اقدامات مجریان این سیاستها در آموزش و پرورش نقش و وزن کاملاً بارزی در افزایش شدید میزان محرومیت از تحصیل جوانان دارد. آمار و شواهد افشاگر کارنامه ننگین جمهوری اسلامی در این زمینه است. در مسند افرادی که در سال تحصیلی قبل، تحصیل کرده‌اند در ۱۵ سال اخیر در آموزش و پرورش کشور بی‌سابقه بوده است.

بطور متوسط از هر ۱۰۰ کودک ایرانی ۲۰ نفرشان نمیتوانند خواندن و نوشتن بیاموزند. از هر ۱۰۰ دانش‌آموز که به دبستان راه می‌یابند فقط ۵۰ نفرشان به دوره راهنمایی می‌رسند و از هر ۱۰۰ نفر که موفق می‌شوند دوره راهنمایی را علی‌کنند ۷۵ نفرشان در دبیرستان راه نمی‌بینند. باید افزود که در مناطق روستایی و بویژه در میان دختران این آمار و ارقام وحشتناکتر است.

آموزش و پرورش و دختران دانش‌آموز

دختران و زنان زحمتکرمیهن ما، علاوه بر بار سنگین طبقاتی و ستم‌ناهی از جنسیت، ستمی اندیشه‌ها و تفکرات پوسیده و بغایت ارتجاعی حاکمان جمهوری اسلامی را نه همچون بختک سیاهی بر زندگی آنان سایه انداخته است رانیز باید متحمل شوند. وضعیت بد و اسفبار آموزشی و جو حاکم بر مدارس پسرانه در مورد دختران و چندانی می‌شود. سیاست جداسازی مدارس دختران و پسران در روستاها باعث شده است نه بعلت کمبود مدارس و اختصاص مدارس موجود به پسران بسیاری از دختران از تحصیل محروم بمانند. عدم اجازه تدریس به دبیران مرد در دبیرستانهای دخترانه و کمبود دبیران زن ماهر و با تجربه، فقر آموزشی بیشتری را برای آنان به ارمغان آورده است. تحمیلات ارتجاعی کوناگون در زمینه پوشش دختران دانش‌آموز هر زمان شدت و فشار بیشتری می‌یابد. این تاریخ اندیشان حتی برای دختر بچه‌های سه، چهار ساله مهد‌های کودکان نیز "مقنعه را اجباراً" کردند.

رسماً و علناً در دبیرستانهای دخترانه توسط معلمین امور تربیتی و تعلیمات دینی اخلاقیات منخطو فساد و فحشا، شرعی تبلیغ می‌گردد. ثواب صیغه شدن بر شمره می‌شود و با کمال بی‌شرمی "مشرومیت" تعداد زوجات بدوش آنان خوانده می‌شود.

پیام سازمان جوانان

بقیه از صفحه ۳

بدنی، تعزیر، تحقیر و... بخشی از زندگی روزمره محیط‌های آموزشی است. اشاعه افکار کثیف و ارتجاعی "ثواب صیغم شدن" و تبلیغ "ازدواج در سنین پایین" در بین دانش‌آموزان دختر سرما و عملاً صورت می‌گیرد. اشاعه فرهنگ تفرقه، ریا و تزویر و خبثت‌پسینی و جاسوس‌مابوسی کار همیشگی عمال حکومت در محیط‌های آموزشی است.

فضای خفقان آلود و حزن‌انگیزی که جمهوری اسلامی به محیط‌های آموزشی تحمیل کرده، نتایج دشتبار جنگ خانمانسوز و صد ها فاجعه دیگری که جمهوری اسلامی بی‌آزوبه، هر روز شدیدتر، زندگی و آینده شما دانش‌آموزان و دانشجویان را تهدید می‌کند. کشتاردهها هزار دانش‌آموز در کوره‌های جنگ و برانگس، نمودار پاریزی از این جنایات رژیم است. رژیم خود اذعان کرده است که بیش از ۵۳٪ تیسروی بسیج (جبهه) دانش‌آموزان بین ۱۶ تا ۱۸ ساله هستند. رژیم دانش‌آموزان را با فشار و نیرنگ از پشت میزهای درس روانه جبهه‌ها می‌کند و آنها را کوشش می‌سازد و در میدان‌های مین به خون می‌کشد. کودک‌کشی و جوان‌کشی راه و رسم رژیم شده است. جمهوری اسلامی فعالیت‌های فرهنگی، هنری، علمی و اجتماعی را ممنوع و ورزش و تفریحات سالم را نابود کرد و در محیط‌های آموزشی تخم خرافات و فساد و کینه و مرگ می‌پاشد.

با اینهمه هر روز خورشده‌های خشم و نفرت شما در برابر کردار حکام مرتجع‌بارورتری گردید. مردم ایران از اقدامات رژیم متنفرند و دانش‌آموزان و دانشجویان محیط آموزشی را در تیرتیر آرزوهای والای انسانی و مردمی خود به عرصه رزمی توفنده ترعلیه رژیم بدل می‌سازند.

دانش‌آموزان و دانشجویان مبارز! مبارزات دانش‌آموزان و دانشجویان ایران، یعنی بخش ارجینش عمومی ضد امپریالیستی و دموکراتیک کشورها، همواره نقش مهمی در مبارزات مردم داشته است. مقام و دست و مبارزه شما در مدارس و دانشگاه‌ها طایفه‌های گذشته در به بن بست کشیدن و رسوا ساختن سیاستها و اقدامات ضد فرهنگی، ضد آموزشی و ارتجاعی رژیم، نقش بزرگی ایفا کرده است. اکنون در شرایط رشد شتاب‌گیر جنبش توده‌ای، وظایف مبارزاتی شما با هم سنگین‌تر می‌شود. با تمام نیرو در راه انجام این وظایف بکوشید. با همه امکانات در برابر سیاست‌جهنمی رژیم که جوانان را به مسلخ جنگ می‌فرستد، افشاکاری و اعتراض کنید و در هر کجا و به هر شکلی که می‌توانید علیه آن مبارزه کنید. جوانان ناآگاه را برای خروج از "بسج" و ترک جبهه‌های جنگ و خنثی کردن نوطه جنایتکارانه رژیم برای گسیل آنها به جبهه‌ها راه‌نمایی کنید.

علیه سیاستهای ضد آموزشی رژیم - افشاکاری و مبارزه کنید. در برابر فقدان معلم و استاد با سواد و متعهد، اخراج معلمین و استادان ترقیخواه، برنامه‌های بی‌محتوای آموزشی، اشاعه خرافات و مطالب ضد علمی در کلاسها و در کتب درسی، بسته شدن کلاسها و کانونهای آموزشی و دیگر موارد، بهر شکل ممکن، مبارزه خود را گسترش دهید. علیه سیاست بغایت ارتجاعی چند مرحله‌ای کنکسوروری دانشگاهها هر چه گسترده تر اعتراض کنید.

اقدامات و فشارهای ضد دموکراتیک در مدارس و دانشگاهها را هر چه وسیع تر افشا کنید و همگان را به مبارزه علیه آنها فراخوانید. با تفتیش عقاید و خبثت‌پسینی مقابله کنید. نام و نشان و ابستگان به انجمن‌های اسلامی و افرادی را که در بین معلمان و دانش‌آموزان و دانشجویان جاسوسی می‌کنند افشا و آنان را طرد و مفرد سازید. برنامه‌های تبلیغاتی و شعارهای رژیم همراهی نکنید و بهر شکل ممکن برای شکست آنها بکوشید. از هر مکانی برای ایجاد و تقویت تشکل‌های صنفی و فعالیت‌های فوق برنامه در عرصه‌های گوناگون استفاده کرده و آنرا وسعت دهید.

سیاستهای رژیم را در اشاعه تباہی و فساد در میان جوانان افشاک کنید. در راه گسترش فعالیت‌های آموزشی و ورزشی و ترویج تفریحات سالم و سازنده بکوشید.

دانش‌آموزان و دانشجویان مبارز! امروز، جنبش ما بیش از هر زمان به کسار آگاه‌گرانه و هشیاری و ایستادگی شما نیازمند است. تدارک، سازماندهی و هدایت مبارزات دانش‌آموزان و دانشجویان عرصه مهمی از فعالیت انقلابی شماست. در شرایطی که ارتجاع حاکم از هیچ‌گونه ددمنشی و جنایتی برای سرکوب نیروهای انقلابی خود داری نمی‌کند، وظایف دشوار و خطیری در برابر شما قرار گرفته است که باید آنها را با حد اکثر هوشیاری و بکارگیری همه تجارب به انجام رسانید.

در آگاه کردن توده دانش‌آموزان و دانشجویان به مبارزه، پیشرو باشید و انسان را برای ایفای نقش عظیم شان در جنبش انقلابی میهن آماده کنید.

اعتراضات و مبارزات دانش‌آموزان و دانشجویان را علیه سیاستهای ضد آموزشی، تضییقات ضد دموکراتیک و دیگر سیاستهای ارتجاعی حکومت سازماندهی و هدایت کنید.

ضرورت و اهمیت تشکل‌های صنفی، دانش‌آموزان و دانشجویان را هر چه بیشتر تبلیغ نموده و فعالیت آنان را در جهت ایجاد و گسترش تشکل‌های گوناگون هدایت کنید.

اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) را به هر طریق ممکن پخش کنید و نظرات و شعارهای سازمان را به میان دانش‌آموزان و دانشجویان بپرسید. جوانان را برای شنیدن رادیوهای مدافع انقلاب تشویق کنید. افراد مطمئن را که گرایش

کارنامه جمهوری اسلامی

ازدواج در سنین پایین به دانش‌آموزان توصیه می‌شود. بسیاری از مسئولین آموزش و پرورش به همراه معلمین امور تربیتی تبلیغ می‌کنند که بهتر است دختران هر چه زودتر شوهر کنند، در سرخواندن به چه درد آنها می‌خورد؟ به خانه خزیده و در جنبه آشپزی بپردازند. طرح کذابی "گاد" کارآموزی در بین تحصیل - مورد دختران دانش‌آموز در سال تحصیلی ۶۳-۶۲ نیز دقیقاً با همین نکرش با سوء استفاده از نیروی کار آنان در جهت اهداف جنگ طلبانه حاکمیت طرح و به اجرا گذاشته شد.

مشاور وزیر آموزش و پرورش می‌گوید: "در قسمت دختران تعداد کل دانش‌آموز مشمول این طرح (لر-کاد) در سال گذشته ۲۲۶۰۰۰ نفر بود. اما در مورد خواهران بیشتر تولید تشنان در ارتبا با عناصر متحرک و جبهه - ها بکار گرفته شده است. بحثان مثال از مهر ماه تا اسفند سال گذشته ۱۴۵۹۹۲ بلوز، کلاه، شال گردن، دستکش و جوراب توسط خواهران دانش‌آموز به جبهه‌ها فرستاده شده است." (کیهان ۳۱ - مرداد)

اما جنایتبارترین اقدام مسئولین آموزش و پرورش به تابه مجری سیاستهای رهبران جمهوری اسلامی در مراکز آموزش متوسطه را باید در اعزام صد ها هزار دانش‌آموز به جبهه‌ها و قربانی کردن و سربریدن "اسمعیل وار" انسان در ریشه عفریت جنگ دانست. (ادامه دارد)

ترقیخواهانه و مردمی دارند با مواضع و تاریخ رزم انقلابی سازمان آشنا کنید. آنها را به صفوف سازمان فراخوانید.

اخبار جنبش مقام و دست توده‌ها و اعتراض و مبارزه کارگران و زحمتکشان همه اقشار خلق را در محیط تحصیل و زندگی، به‌ر نحو مناسب منعکس کنید.

تبلیحات رژیم را علیه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) حزب توده ایران و دیگر نیروهای مبارز افشاک کنید. عناصر جاسوس و مزدور را در محیط‌های تحصیلی پشنا ساندید و افشاک کنید.

برای پیشبرد و ظایف معین و فعالیت‌های که پیش رویتان قرار می‌گیرد، با دیگر نیروهای انقلابی و مبارز، چاره‌جویی و همکاری کنید.

دانش سیاسی خود را همواره ارتقا دهید، در همه جاسوس‌های فداکاری، اخلاق، احساس مسئولیت، دانش‌اندوزی و تحریک و شادابی باشید. شعله‌های مبارزه و امید را در دل جوانان برافروزید.

مسرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا! زنده باد صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی! گسترده با مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک دانشجویان و دانش‌آموزان! سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثرت) شهریور ۱۳۶۳



ادامه همبستگی با کارگران کاناداداری

● کارگران شرکت پخش آلومینیم، بطور یکپارچه با کارگران اعتصابی شرکت سامان ابراز همبستگی کردند. کارگران این شرکت بمنظور نشان دادن اعتراض خود علیه سرکوب خبیثین اعتصاب، تدارک يك اعتصاب را دیده بودند که بخاطر وضعیت ویژه این واحد انجام نشد.

شرکت پخش آلومینیم که تحت سرپرستی بنیاد مستضعفان میباشد، به علت دزدی مدیران انتصابی بنیاد ورشکسته شده است و بدنبال آن با انتقال گروهی از کارگران این شرکت به دیر واحد های تولیدی، تعداد کارگران آن به میزان زیادی کاهش یافته و وضعیت استخدامی دیگر کارگران نیز مبهم است.

● در کارخانه مینو بلافاصله پس از سرکوب اعتصاب کاناداداری، کارگران وسیعاً نسبت به سرکوبگران ابراز انزجار کردند. کارگران این کارخانه آمادگی خود را برای کمک به کارکنان کاناداداری اعلام داشتند.

اخراج کارگران کارخانه ناب

در کارخانه روغن نباتی ناب، بدستور مدیریت سهمیه کارگران از تولیدات این کارخانه قطع گردید. پیش از این هر کارگر ماهانه پنج کیلو روغن نباتی از محصولات کارخانه دریافت میکردند که در حقیقت بخشی از دستمزد آنان بود. کارگران دسته جمعی به این تصمیم اعتراض کردند. اما واکنش مسئولین این بود که سه کارگر مبارز را بطور دائم و ده نارتر دیرتر برای مدت یک ماه از کارخانه اخراج نمودند.

یک شعار حکومت

با وجود گشتی های کثیرالعدد ارتجاع، شعار نویسی نیروهای مبارز بر دیوارهای خیابانهای تهران افزایش چشمگیری یافته است. عجز ارگانهای سرکوب در جلوگیری از شعارنویسی حکومت را واداشته تا گروههای دیگری را برای پاک کردن و یا مخدوش ساختن شعارهای مترقی سازمان دهد. در منطقه سی متری جی که این نامورین از زردن شعارهای فدائیان خلق ناتوان ماندند، در کنار شعارهای فدائیان خلق در دفاع از حقوق کارگران، نوشتند: "مرگبر کارگر وفدائی". این شعار، بمثابة خود افشاکری ارتجاع، ساکنین منطقه سی متری جی را بیشتر از پیش به میزان نفرت حکومت از طبقه کارگر و علت کینه آنان نسبت به فدائیان خلق واقف ساخت.

سرنیزه سپاه در خدمت بزرگ مالک

در شهرستان رودبار در استان خیلان، زمین های يك بزرگ مالک پیر از انقلاب مصادره و میان کشاورزان تقسیم شده بود. در طول پنج سال گذشته دهقانان روی این زمینها شست و کار میکردند. اما در مرداد ماه سال جاری، بزرگ مالک به محل بازگشته و از دهقانان میخواهد زمینها را تخلیه و باو واگذارند. افراد سپاه پاسداران که با او همراه بودند ضمن تایید دعای بزرگ مالک، اعلام نمودند که طبق حکم مقامات زمین متعلق به فئودال است. دهقانان بی هراس از سرنیزه پاسداران شروع به مقاومت نمودند و بطور دسته جمعی همراه با کودکان خود دست به تظاهرات زدند. نفرت سپاه به متظاهر کنندگان حمله کرده و برای آنان آتش گشودند.

در نتیجه شيراندازی عده ای از روستائیان مجروح گردیدند. در این درگیری چند تن از دهقانان نیز توسط سپاه دستگیر و بحکم مقامات قضائی محلی روانه زندان شدند.

فئودالها برمی گردند

روستای آرموتی یکی از مستاد پارچه روستاهای طالقان است. مدت ها است که در این منطقه کوهستانی تقریباً مسئله زمین های بزرگ زراعی وجود ندارد. معدود واحدهای بزرگ ارضی منطقه سالها پیش از انقلاب به دهقانان فروخته شده بود. اما اخیراً فئودالی نه زمین های بزرگ در روستای آرموت، در دهه چهل تقسیم شده و به وارد این روستا نرید. روستائیان که از ورود غیر عادی این مهربان ناخوانده متعجب شده بودند، پرسشگران باو نزدیک شدند. فئودال خطصاب بآنها اعلام داشت که برای تحویل گرفتن زمینهایش آماده است، همان زمینهایی که از دهه چهل تا کنون در اختیار کشاورزان قرار دارد. وقتیه مردم این ادعای مضحک او را به مسخره مینیرند، فئودال حکم مسهری از مقامات بآنها نشان میدهد که طبق آن او مالک شرعی زمین هائی است که در طول این همه سال توسط دهقانان کشت میشد. این فئودال به مردم تکلیف نرد، یا بدنبال انعقاد اجاره نامه، اجاره بها پرداخت نمایند و یا زمین را بقیمت روز از او خریداری کنند. دهقانان این ادعاها را مردود دانسته و تصمیم دارند به بییه قیمتی زمین هایشان را از دست دهند.

مجازات خانواده های مشمولین فراری

جوانان روستائی استان ایلام نیز مانند دیگر جوانان کشور بنحو روزافزونی از خدمت سربازی و شرکت در جنگ سرباز میزند. طبق يك گزارش در روستاهای دولی لان واردلان هر بابی که مامورین سربازگیری به روستا حمله میکنند، جوانا به کوه رفته و تا خروج مامورین در همانجا میمانند. مسئولین محلی بمنظور وادار ساختن اهالی به تحویل مشمولین خدمت وظیفه، مقررات و مجازات های تازه ای وضع کرد مانند: طبق

آخرین تصمیمات به روستائیان ابلاغ کردند که سهمیه خانواده مشمولین و سربازان فراری از خواروار سهمیه بندی شده قطع گردیده و علاوه بر این آنان از شرکت در قرعه کشی برای دریافت ابزار کشاورزی و وسائل خانگی نیز محروم شدند. با توجه به کثرت عده مشمولین فراری، تعداد قابل توجهی از کشاورزان این روستاها مشمول این مجازات می شوند. روستائیان میگویند، برای چسب جوانان ما باید به جبهه بروند و در اینصورت زمینها را چه کسی باید بدارد؟

غرامت استعفا

● در خیابان خاوران افراد سپاه به خانه يك عضو بسیج هجوم آورده و از اعضای خانواده او میخواستند تا محل اختفای او را نشان دهند. افراد سپاه متفقند این بسیجی از جبهه فرار کرده و به اتهام تمرّد و سرپیچی تحت پیگرد است. او به بسیج برای پنج سال خدمت متعهد بود و اثر نخواهند بود. طبق تعهد عملی نمایند باید بود. هزار تومان جریمه بیست و نوزد يك عضو سپاه که در نازی آباد زندانی میکند با نخره توانست با دوندگی خیابان بسیار، موفقیت مسئولین را با استعفا فریب جلب کند. البته در از آن وادار شده است نزدیک به صد هزار تومان بابت جریمه پرداخت کند.

کتاب های مالی رسیده

- رفیق هادی زمانی (آلمان فدرال) ۱۰۰ مارک
- رفقای فدایی (استنهام) ۵۰۰۰ کرون
- خانواده فدایی (استنهام) ۱۰۰۰ کرون
- الا و آرش (استنهام) ۵۰۰ کرون
- رفیق چ (سوئد) ۱۰۰ کرون

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

رفقای ما در جنوب ویز (بریتانیا) در سالگرد شهادت رفیق فرزاد ن

تأمین کردند

AKSARIYAT

NO26

MONDAY 1 OCTOBER 84

POSTFACH 23007
8500 MAINZ 23
W. GERMANY

آلمان فدرال

P.O. BOX 101
LONDON N17 6YU
ENGLAND

انگلستان

P.O. BOX 66156
LOS ANGELES, CA 90066
USA

ایالات متحده

C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

ایتالیا

P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

هندوستان

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!